

# حسارهای عقلانی در دین

www.ketab.ir  
کاظم محمدی وایتانی



سرشناسه : محمدی وایقانی، کاظم، ۱۳۴۰-  
عنوان و نام پدیدآور : جستارهای عقلانی در دین / کاظم محمدی وایقانی.

مشخصات نشر : کرج : نجم کبری، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۵۳۰ ص

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۴۰-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۸۷ - ۵۰۰.

یادداشت : نمایه.

موضوع : عقل و ایمان

Faith and reason

عقل گرایی

Rationalism

عقل -- فلسفه

Reason -- Philosophy

رده بندی کنگره : BT۵۰

رده بندی دیویی : ۲۱۰

شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۰۰۷۱۳

www.ketab.ir



---

نام کتاب : جستارهای عقلانی در دین

نویسنده : کاظم محمدی وایقانی

انتشارات : نجم کبری

چاپ و صحافی : چاپ روز

تیراژ : ۲۰۰

نوبت چاپ : اول ۱۴۰۲

قیمت : ۲۴۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۴۰-۴

---

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

---

## فهرست مطالب

۷	۰- مقدمه
۱۳	۱- عقل و بندگی
۴۳	۲- عقل و هویت انسانی
۶۱	۳- عقل و فقه
۸۹	۴- عقل و حدیث
۹۹	۵- عقل و ایمان
۱۲۳	۶- آدم و گزینش عقل
۱۳۳	۷- چیستی عقل
۱۴۳	۸- عقل یا دین؟
۱۵۵	۹- دین عقلانی
۱۶۷	۱۰- فلسفه، دین، تاریخ
۱۷۹	۱۱- کلمات عقلانی
۱۸۹	۱۲- عقل و تکلیف

۲۰۳	۱۳- عقلانیت در روایت
۲۱۷	۱۴- عقل، اراده، آگاهی
۲۶۷	۱۵- عقل و مترادفات
۲۷۷	۱۶- قرآن و عقل
۳۰۷	۱۷- عقل شهودی (مطبوع)
۳۲۳	۱۸- عقلانیت در مواجهه با عبارات فریبنده
۳۸۵	۱۹- عقلانیت و فهم دین
۳۹۳	۲۰- پوستین وارونه
۴۲۹	۲۱- عقل و نقد دین
۴۶۹	۲۲- عقل و تمیز حق و باطل
۴۸۷	۲۳- کتابنامه
۵۰۱	۲۴- نمایه

[۰]

## مقدمه

ای برادر، عقل یک دم با خود آر  
دم به دم در تو خزان است و بهار

عقل موهبتی الهی است که انسان را انسان می کند. عقل ساحتی دوگانه دارد، در یک ساحت منفعل از داده های بیرونی است و در ساحت دوم نه منفعل، بلکه فاعلیت دارد. عقل آفریده ای است که تنها در انسان نشسته و او را امکان تجلی داده است. انسان با عقل می تواند هر آنچه که باید یا می خواهد باشد. شاید آفریننده خواندنش به صورت مجازی خطا نباشد، زیرا او در عالم ماده و در جهان خاک عامل هر عمل است و هر کاری با او و در او صورت می گیرد. اما عقل را بر خلاف برخی چون دکارت مندمج و فعال در همه نمی توان دید. ای بسا که کسی صرفاً نام عاقل داشته باشد ولی از عقل بهره ای نداشته باشد.

آنچه از عقل مراد ماست آن است که عقلانیتی درست و سلیم داشته باشد. عقل مادامی عقل است که به عقلانیت پردازد و آدمی را از خطا

و زشتی و باطل و انحراف مصون بدارد، زیرا عقل از این منظر معصوم و بری از خطاست. رمز مرکزیت داشتن آن هم همین است، که اگر غیر از این بود کارها و امور انسانی به دست او سپرده نمی‌شد. مخاطب قرار دادن عقل نشان از آن دارد که هم قابل اعتماد است و هم راهبری را درست می‌داند، این نیز منافاتی با کمال‌یابی و بهتر شدن آن ندارد.

فلسفه، تاریخ و دین هر سه تأثیرگذار بر انسانند و مخاطبی انسانی دارند و از این سه، فلسفه و تاریخ مبنایی انسانی و دین از سوی خداوند برای انسان مقرر شده است، با این حال در دین نیز دست انسان را نباید نادیده گرفت، که تاریخ بشری در دوران نخستین از همین سازندگی انسانی خبر می‌دهد. اینکه این سه گوهر، یا حاصل از انسان و یا خطاب به انسانند بسیار قابل توجه‌اند و نباید به سهولت از آنها گذشت، چه نه تنها پیشینه تاریخی ما را ساخته‌اند بلکه آینده و سرنوشت ما را هم نشانه گرفته‌اند؛ و لذا ساده‌لوحانه است که از این هر سه فارغ شویم.

آنچه که فلسفه را رقم می‌زند عقل است و آنچه که تاریخ را پدیدار می‌سازد نیز عقل است و بدون عقل نه فلسفه‌ای در کار است و نه تاریخی برای ما وجود دارد. دین هم که برآمده از عالم قدس است مخاطبی انسانی با عقل و ویژه انسانی دارد.

دستیابی به عقل و به کار بردن درست آن در این مواردی که برشمرده شده با زندگی و هویت اکنون و فردای ما کار دارد. غفلت از عقل از سویی و به کار نبستن آن در موارد مذکور قهراً آفاتی را در بر خواهد داشت که بسیار زیاد زیان آن را در طول زندگی متقبل شده‌ایم. ما به طور طبیعی در متن و بطن جریان تاریخ، فلسفه و دین واقع شده‌ایم اما

اینکه بسیاری از این وارد شدن بی اطلاعند دقیقاً مشکلشان هم از همین جا آغاز شده است. پیوند دقیق و سخت و محکم ما به تاریخ و دین و فلسفه چیزی نیست که نتوان آن را تشخیص داد. همان گونه که مولانا از قصه و حکایت سخن می گوید و در خلال بحث بیان می کند ما خود درون قصه ایم و هیچ وقت هم از آن بیرون نیامده ایم، «بار دیگر ما به قصه آمدیم / ما از آن قصه برون خود کی شدیم؟»، ما هم در قصه و حکایت دین و تاریخ و فلسفه، همیشه درون آن بوده ایم و هستیم و خواهیم بود و امکان برون رفت از آن هم نیست مگر با مرگ و نیستی. این حال اگر هم در صورت ظاهر با مرگ از دام دین و فلسفه برهیم و بجهیم ولی باز در قالب مرده در دام تاریخ باقی خواهیم ماند.

فلسفه اگر فروتر از دین است و به زعم برخی از متألّهان «خادم دین» است، ولی در دین توان آن را دارد که مطالعه کند و مفهوم آن را مورد مذاقه قرار بدهد. و در تاریخ می تواند ورود کند و خود منشأ اثر برای اندیشه و فکر باشد، کما اینکه فیلسوف می تواند دین و تاریخ را طی کند و در متن آن سیری منطقی داشته باشد، هر چند که این به منزله فلسفه تاریخ و فلسفه دین نیست. به هر حال ما با عقل می توانیم در فلسفه سیر کنیم و گمان نبریم که عقل ما زاده فلسفه است، بلکه باید همواره به عکس در نظر آوریم، یعنی فلسفه در گرو عقل است و از عقل پدید آمده. عقل در دین هم نقش دارد، یعنی می تواند از سویی مخاطب دین باشد و از دیگر سو خود در جوامع بشری دین سازی کند، چنان که در بسیاری از نقاط دور و نزدیک می توانیم شاهد دین های عقلی باشیم. تاریخ هم همین گونه با عقل ربط می یابد،